



بررسی تاثیر نا اطمینانی اقتصادی و اجتماعی بر میزان خودکشی در ایران در چارچوب یک رویکرد اقتصادی-اجتماعی

علی برناک^۱، دادخدا حاتمی گوربندی^۲، محمدرضا سنجرى^۳، محمدباقر امینی نژاد^۴

^۱ کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه شهیدبهشتی واحد فرهنگیان (هرمزگان)

Ali.barnakjj@gmail.com

۰۹۰۳۶۱۳۱۳۲۸

^۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدبهشتی واحد فرهنگیان

Hatami.dadkhoda3@gmail.com

۰۹۱۷۷۶۱۴۳۶۰

^۳ کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه شهیدبهشتی واحد فرهنگیان (هرمزگان)

Ali.barnakjj@gmail.com

۰۹۹۳۳۴۰۷۲۵۴

^۴ کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه شهیدبهشتی واحد فرهنگیان (هرمزگان)

Ali.barnakjj@gmail.com

۰۹۳۷۵۹۶۸۰۵۶

چکیده:

خودکشی یکی از معضلات عمده دنیای معاصر است که منجر به نابودی سرمایه های انسانی می شود. با توجه به نقش اساسی و محوری نیروی انسانی در توسعه، بررسی علل خودکشی از دیدگاه اقتصادی نیز حائز اهمیت است. در این مطالعه علاوه بر در نظر گرفتن عوامل اقتصادی اثر گذار بر خودکشی، از یک شاخص ترکیبی از نا اطمینانی سیاست های اقتصادی جهت بررسی تاثیر بی ثباتی های موجود در متغیر های اقتصادی بر نرخ خودکشی استفاده شود. در این شاخص، پنج منبع بی ثباتی و نا اطمینانی در اقتصاد ایران شامل تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ سود های بانکی و شاخص قیمت سهام ارائه شده است.

روش بررسی: استفاده از روش های کمی-کیفی، خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۳ است. ۲. استناد به نظریات نظریه پردازان علوم اجتماعی در این حوزه

نتایج: برآورد مدل حاکی از آن است که با افزایش نا اطمینانی اقتصادی از جمله ضریب جینی، نرخ بیکاری زنان و مردان نیز دارای رابطه مثبت با نرخ خودکشی است. افزایش نرخ تورم و رشد اقتصادی نیز بر نرخ خودکشی اثر منفی دارد. در مورد متغیر های اجتماعی همانند: نرخ طلاق، نرخ با سوادى و تعداد پرونده های قضایی (به عنوان شاخصی منفی از سرمایه اجتماعی) رابطه این متغیرها با نرخ خودکشی، مثبت است.

واژگان کلیدی: نا اطمینانی سیاست های اقتصادی، نرخ خودکشی، ایران، روش خود رگرسیون با وقفه های توزیعی



مقدمه

خودکشی پیشینه ای به گستردگی تاریخ دارد. بررسی تاریخی این پدیده جهانی از یک سو بازگو کننده گونه های متفاوت قضاوت و طرز تلقی به ویژه در باره ی مرگ و مردن است و از سوی دیگر، نشان دهنده شیوع و فراوانی این امر در جوامع و فرهنگ های گوناگون می باشد (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۳۴). گسترش روز افزون خودکشی باعث شده است سازمان جهانی بهداشت (WHO) دهم سپتامبر هر سال (برابر با ۱۹م شهریور) را به عنوان روز جهانی پیشگیری از خودکشی معرفی نماید.

نتایج پژوهش ها حاکی از افزایش ۶۰ درصدی اقدام به خودکشی در ۵۰ سال اخیر بوده و بیشترین میزان مربوط به آن، در کشورهای ژاپن، ایالات متحده آمریکا و اروپا می باشد. هر ساله بیش از ۸۰۰ هزار نفر در جهان زندگی خود را به علت خودکشی از دست می دهند.

خودکشی در هر سنی اتفاق می افتد و دومین علت اصلی مرگ و میر در سنین ۲۹-۱۵ ساله در سطح جهان در سال ۲۰۱۲ می باشد. همچنین در این سال، ۷۵ درصد خودکشی ها در کشورهای کم درآمد و یا با درآمدی متوسط رخ داده است (WHO، ۲۰۱۶)، انتظار میرود بر اساس پیش بینی سازمان جهانی بهداشت، آمار خودکشی در سال ۲۰۲۰ به بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر برسد (برتولوت و فلیسمن، ۲۰۰۲) در ایران نیز بر اساس آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی، بین سال های ۱۳۱۲-۱۳۸۰ بیش از ۳۰ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده اند. کشورهای جهان و ایران منجر به آن گردیده تا هر یک از علوم با توجه به حوزه خود و نگاهی که به پدیده خودکشی دارند، به بررسی و شناسایی عوامل موثر بر این پدیده پرداخته و راه کارهایی را برای کاهش یا مقابله با آن ارائه نماید.

یکی از عوامل موثر بر خودکشی، نا اطمینانی و بی ثباتی اقتصادی است (دورکیم، ۱۸۹۷) که امروزه نیز، با وجود صنعتی شدن و توسعه یافتگی جوامع، موضوعات اقتصادی در این حوزه پیش از پیش مورد توجه قرار گرفته اند. هدف از این مطالعه، بررسی و تحلیل اثرات نا اطمینانی اقتصادی بر میزان خودکشی در ایران طی زما ۱۳۵۳-۱۳۹۳، با استفاده از روش اقتصاد سنجی خود رگرسیون یا توزیع با وقفه ((ARDL است. در بخش مباحث نظری به عوامل موثر بر خودکشی پرداخته و سپس مطالعات تجربی صورت گرفته در این حوزه ارائه می شوند.

نخستین مطالعه در زمینه خودکشی را دورکیم (۱۸۹۷) انجام داده است. سپس، لستر (۱۹۹۵)، در مطالعه ای با داده های سری زمانی از ۱۴ کشور برای دوره زمانی ۱۹۵۰-۱۹۸۵، به این نتیجه رسیدند که اگر چه میان بیکاری و اقدام به خودکشی در تمامی کشورهای مورد بررسی رابطه مثبت وجود داشته اما این رابطه تنها در ۴ کشور از نظر آماری معنا دار بوده است.

نئو مایر (۲۰۰۳)، با استفاده از داده های دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۰ آلمان و به کارگیری روش رگرسیونی داده های تابلویی به این نتیجه رسید که اشتغال، با خودکشی رابطه منفی و معنا دار و نابرابری درآمد، با خودکشی رابطه مثبت دارد، اما این رابطه معنا دار نمی باشد.

چن و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از روش های داده های تابلویی برای کشورهای عضو OECD طی دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۸۰ به بررسی تفاوت میان ژاپن و سایر کشورها از نظر خودکشی پرداختند. آنها به این نتیج رسیدند که ضریب جینی به جز مردان در سن ۴۴-۲۵ و زنان بالای ۶۵ سال، دارای رابطه معنا داری با خودکشی میباشد.

نوه (۲۰۰۹)، به بررسی رابطه بین نرخ بیکاری و خودکشی در کشورهای با درآمد متفاوت پرداخته است. نتایج نشان داد که رابطه بین نرخ بیکاری و خودکشی برای کشورهای با درآمد بالا مثبت است، اما در کشورهای با درآمد پایین تاثیر منفی بر خودکشی دارد.

یافته های پژوهشی چن و همکاران (۲۰۱۰)، که به بررسی تاثیر بیکاری بر خودکشی تایوان و هنگ کنگ پرداختند، نشان داد که تاثیر بیکاری بر نرخ خودکشی تایوان در طول دوره بیکاری بالا، مثبت و در طول دوره کاهش بیکاری، منفی بوده است. از سوی دیگر، کاهش خودکشی هنگ کنگ در دوران کاهش میزان بیکاری مربوط به بهبود شرایط اشتغال نمی باشد.



اینجاگی (۲۰۱۰۹)، در مطالعه خود با استفاده از روش رگرسیونی حداقل مربعات برای دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۵۱ به بررسی رابطه بین توزیع درآمد و خودکشی در ژاپن پرداخته است. نتایج از طریق تخمین مدل با استفاده از دو روش DMLOS و FMOLS بیانگر آن بودند که میان بیکاری و نابرابری درآمد با خودکشی رابطه ای مثبت و معنا دار برقرار می باشد .

کوردوبا-دونا و همکاران (۲۰۱۴)، در مطالعه ای با عنوان «بحران اقتصادی و رفتار خودکشی ؛ نقش بیکاری، جنسیت و سن در اندلس جنوب اسپانیا» با استفاده از مدل رگرسیون خطی با اثرات ثابت به بررسی اثرات بحران اقتصادی بر روی تلاش برای خودکشی پرداخته است. پس از شروع بحران، افزایش شدیدی در نرخ خودکشی رخ داده است.

ریورا و همکاران (۲۰۱۵)، در مقاله خود، بحران خودکشی و بهره وری نیروی کار در اسپانیا را بررسی کرد. نتایج نشان داد کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری تاثیر منفی بر روی نرخ خودکشی دارند. همچنین بحران اقتصادی در میزان خودکشی سالهای اخیر اسپانیا نقش داشته است.

آنتونا کاکیس و گوپتا (۲۰۱۵)، به بررسی رابطه بین عدم قطعیت سیاست های اقتصادی و مرگ و میر ناشی از خودکشی در ایالت متحده پرداختند. نتایج حاکی از افزایش خودکشی با افزایش عدم قطعیت سیاست های اقتصادی در مردان بوده است، اگرچه زنان نسبت به نا اطمینانی های اقتصادی انعطاف پذیر ترند.

جمشید زاده (۱۳۸۲)، در مطالعه توصیفی -تحلیلی خود به بررسی وضعیت و علل خودکشی در استان ایلام با تاکید بر عوامل خانوادگی پرداخته است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که شرایط نامناسب زندگی و بیماری روانی علل اصلی اقدام به خودکشی می باشد . در این میان ، افراد بیکار بیشترین قشر آسیب پذیر در برابر خودکشی شناخته شده اند.

نصرالهی و همکاران (۱۳۹۲)، در مطالعه ای با عنوان «عوامل اقتصادی -اجتماعی موثر بر اقدام به خودکشی در زنان شهرنشین کشور طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۸» با روش داده های تلفیقی به بررسی شواهد مربوط به خودکشی زنان و شناسایی متغیرهای تاثیر گذار بر خودکشی در زنان ایران پرداخت. نتایج نشان دهنده روابط مثبت و معنادار میان بیکاری زنان، نابرابری درآمد، صنعتی شدن، نرخ طلاق و نرخ اقدام به خودکشی در زنان بود. در این مطالعه رابطه بین شهرنشینی و خودکشی معنادار نمی باشد.

مکیان و لطفی (۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان «علل اقتصادی خودکشی مطالعه موردی اقتصاد ایران» ، با استفاده از داده های تلفیقی به بررسی عوامل موثر بر خودکشی و ارائه راه کارهایی برای مقابله با آن در ایران به تفکیک استانهای کشور و برای دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۹ پرداخته اند. طبق نتایج این مطالعه ، در حالی که نرخ بیکاری، نابرابری درآمد و صنعتی شدن بر خودکشی مثبت و معنادار می باشد، اثر رشد جمعیت بر خودکشی معنادار نبوده است.

مرور ادبیات موضوع نشان میدهد، عوامل اقتصادی در کنار سایر عوامل دیگر، می تواند زمینه ساز بروز پدیده اجتماعی خودکشی شوند. از جمله این عوامل می توان به فقر، نابرابری درآمد، بیکاری، رشد اقتصادی و... اشاره کرد. ولی مهمتر از این عوامل، بی ثباتی های موجود در متغیرهای اقتصادی است . نکته ای که در کمتر مطالعه ای به آن پرداخته شده است. بی ثباتی در سیاست های اقتصادی موجب نا اطمینانی و بی اعتمادی مردم به دولت و دستگاه های اجرایی می شود، لذا مطلوبیت و انتظار فرد از زندگی آینده خود کاهش می یابد. در این مطالعه تلاش شده است در کنار سایر عوامل اقتصادی، به اثر یک شاخص ترکیبی از نا اطمینانی ها در سیاست های اقتصادی بر خودکشی نیز پرداخته شود.



روش تحقیق، مدل اقتصادسنجی است و متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش معرفی و در بخش پایانی نیز نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه شده است.

بحث درباره یافته ها

اولین نگرش علمی به خودکشی در سال ۱۷۳۷ به وسیله دفونتن صورت گرفته است. وی برای اولین بار کلمه Suicide را در فرانسه به کار برد. واژه خودکشی از ریشه لاتین sui به معنای "خود" و cide به معنای "کشتن" است و اصطلاحاً "خود را کشتن" یا خودکشی معنا می دهد (پور یوسفی، ۱۳۸۴).

برای خودکشی، تعاریف متعددی بیان شده است، دورکیم به عنوان اولین فردی که به بررسی تجربی خودکشی پرداخت، در کتاب خود، خودکشی را هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیر مستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است و می دانسته چنین نتیجه ای را به بار میاورد، تعریف می نماید (دورکیم، ۱۳۷۸).

اکثر کسانی که واژه خودکشی را بعد از دورکیم تعریف کرده اند، به شکلی از دورکیم متأثر بوده اند. ژان بشلر که رساله دکترایش تحقیق جامعی در زمینه خودکشی است، خودکشی را این گونه تعریف میکند:

هر گونه رفتاری که می کوشد از طریق پایان دادن به زندگی خود راه حلی برای مشکل زندگی بیابد (مردیها، ۱۳۸۳: ۲۶۳). در مجموع می توان نتیجه گرفت خودکشی عملی است آگاهانه و کاملاً ارادی که فرد برای پایان دادن به زندگی خویش انجام می دهد.

نظریات مرتبط با خودکشی

نظریات مختلف و متعددی به بررسی خودکشی و تبیین علل آن از زاویه خاص مربوط به خود پرداخته اند که از جمله آن می توان به دیدگاه اجتماعی، دیدگاه روانشناختی و دیدگاه اقتصادی اشاره نمود. با توجه به موضوع مطالعه، در ادامه، به بررسی دیدگاه های فوق پرداخته می شود.

دیدگاه اجتماعی

در دیدگاه اجتماعی که اولین بار توسط دورکیم مورد مطالعه قرار گرفت، بر این نکته تأیید شده است که میزان خودکشی با همبستگی اجتماعی رابطه دارد. به عبارت دیگر، هر چه همبستگی اجتماعی افزایش یابد، میزان خودکشی کاهش می یابد.

امروزه صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که مفهوم یگانگی و همبستگی اجتماعی دورکیم با مفهوم نوین تر سرمایه اجتماعی همخوانی دارد و بیان می کنند که در اصل، کتاب خودکشی دورکیم، در مورد بررسی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر خودکشی است. بنابراین در نظر دورکیم، هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان خودکشی نیز کاهش می یابد.

این جمله دورکیم بیان واضحی از این موضوع است که «عامل اصلی و عمده ای که ب زندگی ما هدف و معنا میبخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با دیگران است. در این صورت است که زندگی ارزش پیدا می کند و اگر چنین نباشد، هر چیزی میتواند دستاویزی برای خلاص شدن از شر زندگی اجتماعی شود» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)



دیدگاه روان شناختی

معمولا در مطالعات روانکاوی، روانشناسی و تا حدودی روان پزشکی علاقه و تاکید بر این مطلب است که چرا اشخاصی و تحت چه مکانیزم های درونی اقدام به خودکشی می نمایند. از منظر آنها اختلالات ذهنی و ناراحتی های روحی - روانی از قبیل اختلالات شخصیتی، خلقی، افسردگی و اضطراب، زمینه ساز خودکشی می باشند.

در کل مطالعات روانشناختی عمدتاً بر روی رفتارهای فردی متمرکز شده است و بیشتر انگیزه ها و دلایل خودکشی را مورد توجه قرار میدهند (کاپلان و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۷).

دیدگاه اقتصادی

اگر چه عوامل اجتماعی، رفتاری و فردی متعددی برای خودکشی می توان ذکر کرد، اما با این رویکرد که خودکشی فقط یک تراژدی شخصی نیست، بلکه شامل از دست دادن جدی سرمایه های انسانی و دارایی های مولد جامعه نیز می شود (رودریگز، ۱۳۹۲: ۳۸۰) و با توجه به این مهم که تاثیر عوامل اقتصادی بر سایر بخش ها و به خصوص سازوکارهای اجتماعی انکار ناپذیر است، می توان به بررسی اقتصادی این معضل پرداخت (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸۰) با در نظر گرفتن خودکشی به عنوان یک عمل توأم با انتخاب می توان نتیجه گرفت که فرد زمانی دست به خودکشی خواهد زد که مطلوبیت انتظاری او از عمرش کمتر از حد مورد انتظارش باشد (هامرش و ساس، ۱۹۷۴). بر این اساس می توان متغیر هایی که مطلوبیت فرد را در آینده کاهش می دهند به عنوان عوامل تاثیر گذار اقتصادی بر خودکشی تلقی نمود (مکیان و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

عوامل موثر بر خودکشی

برای بررسی دقیق موضوع خودکشی مهم است که به شناسایی علل اثر گذار بر خودکشی به عنوان یک چارچوب نظری بالقوه پرداخته شود. از آجایی که عوامل موثر بسیاری بر خودکشی وجود دارد (از جمله آزادی های مدنی و کیفیت حکومت، نرخ مهاجرت، نرخ تولد، اندازه یا بعد خانوار، سن، جنسیت، پابندی به اصول دینی، قتل، شرایط فصلی و جغرافیایی، وضعیت بهداشت و سلامت، صنعتی شدن و درآمد افراد)، لذا در این پژوهش تنها به عوامل اثر گذاری پرداخته می شود که در قالب مدل اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

طلاق: طلاق میتواند باعث شرمساری، استرس و دیگر ناراحتی های ذهنی و روانی شود که ممکن است منجر به رفتارهای پرخطری مانند خودکشی گردد. از دیدگاه جامعه شناختی استاک (۲۰۰۰)، خلاصه ای از بررسی صدها مطالعه نشان می دهد که یک رابطه مثبت بین طلاق و خودکشی وجود دارد.

رشد اقتصادی: اگر رشد اقتصادی چشم انداز شغلی و مالی بهتر برای آینده مردم به ارمغان بیاورد، مردم را امیدوار خواهد کرد و احتمال اقدام به خودکشی ممکن است کاهش یابد. از سوی دیگر رشد اقتصادی ممکن است با تغییرات سریع اجتماعی همراه شده و موجب ایجاد مشکلاتی به ویژه برای افراد مسن شود. در حالی که بسیاری از محققان رابطه معنا داری بین رشد اقتصادی و نرخ خودکشی پیدا کرده اند. برخی دیگر از محققان به چنین رابطه ای دست نیافته اند (چن و همکاران، ۲۰۰۸).



نرخ با سواد: طبق برخی از ادبیات موجود، سطح بالاتر نرخ باسوادی ممکن است به طور غیر مستقیم از طریق شغل بهتر و درآمد بالاتر، میزان خودکشی را کاهش دهد، از سوی دیگر تحصیلات بالاتر ممکن است پایداری افراد به باورهای مذهبی را کاهش داده و به این طریق، میزان خودکشی را افزایش دهد. علاوه بر این، افراد تحصیل کرده به دلیل افزایش رقابت در بین همکلاسی ها و همکاران، به سطوح بالاتری از استرس و سرخوردگی دچار می گردند (کلیک و مارکوویتز، ۲۰۰۳: ۸۶).

نابرابری درآمد: بسیاری از محققان معتقدند که نابرابری درآمد به خودکشی بالاتر منجر می شود (چن و همکاران، ۲۰۰۸)، به طور نسبی افراد محروم ممکن است تجربه استرس بیشتری در زندگی را داشته باشند که این تجربه به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق استفاده از الکل یا سیگار به خود کشی منتهی میشود (رودریگز، ۲۰۰۵: ۳۸).

نرخ بیکاری: اشتغال را می توان به عنوان پیش بینی کننده درآمد دائمی دانست. در واقع بیکاری نشان دهنده کاهش در درآمد دائمی است، از این رو بر اساس چارچوب هامرش و ساس (۱۹۷۴)، افزایش نرخ بیکاری می تواند به افزایش خودکشی و اقدام به خود کشی منجر گردد. بسیاری از مطالعات اقتصادی نیز نشان میدهند که نرخ بالای بیکاری با نرخ بالای خودکشی همراه است (کو و کاکس، ۲۰۰۸: ۱۶۵)، البته در مطالعات دیگری، رابطه ای بین خودکشی و بیکاری به تفکیک زنان و مردان نیز بررسی و استدلال شده است که از یک سو به دلیل آن که اشتغال زنان با نقش زن به عنوان مادر و همسر در تعارض بوده و سبب تضعیف روابط خانوادگی می شود، لذا افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و به عبارتی کاهش نرخ بیکاری زنان به افزایش خودکشی منجر می شود. از سوی دیگر، به دلیل مزایای اشتغال و منافع مالی که نصیب فرد می شود، می توان انتظار داشت که نرخ خودکشی هم در زنان و هم در مردان کاهش یابد. بنابراین اثر خالص اشتغال یا بیکاری در بین زنان بر میزان خودکشی مشخص نیست. ولی می توان گفت، رابطه بیکاری مردان و خودکشی، همواره یک رابطه مستقیم بوده است، چرا که مردان به جهت تشکیل و حفظ بنیان خانواده در معرض فشارهای مالی، اجتماعی و روانی بسیاری قرار دارند، لذا با افزایش بیکاری مردان، می توان انتظار داشت که اقدام به خودکشی نیز در بین آنان افزایش یابد (چن و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷۵).

نرخ تورم: تورم قدرت خرید افراد با درآمد ثابت را به افرادی که درامدشان رشد بیشتری نسبت به نرخ تورم دارد، انتقال می دهد. به عبارت دیگر، تفاوت وضعیت حقوق بگیران و صاحبان مشاغل با درآمد های ثابت به آنهایی که متناسب با افزایش تورم، درآمد و دارایی هایشان افزایش می یابد، فاصله و اختلاف طبقاتی را موجب می شود.

عدم تعادل میان زندگی متناسب با جایگاه و اعتبار افراد آنها را مجبور می کند تا در صدد انجام کار دوم و حتی سوم بر آیند. از طرف دیگر اختلاف طبقاتی باعث گسست اجتماعی میشود، به نوعی که دیگر افراد جامعه از حال هم خبر ندارند و اگر کسی احتیاج به کمک داشته باشد، معمولاً مورد توجه و رسیدگی قرار نمی گیرد. هر یک از این عوامل به تنهایی میتواند بر روی افزایش میزان خودکشی تاثیر گذار باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷۶).

نا اطمینانی اقتصادی: نا اطمینانی اقتصادی منجر به ایجاد شرایط نامطلوب اقتصادی در داخل کشور همچون تشدید رکود (باکر و همکاران، ۲۰۱۳)، کاهش سرمایه گذاری (کانگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۵؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۳۹)، تغییر در قیمت های سهام (پاستور و روناسی، ۲۰۱۳).



۲۰۱۲:۱۲۲۱)، و کاهش میزان اشتغال (فرارا و گارین، ۲۰۱۵)، همچنین می تواند منجر به تغییرات ناگهانی در موقعیت اجتماعی - اقتصادی گروه های مشخصی شود که انتظار دارند درآمدی بدست بیاورند ولی در بلند مدت این انتظار محقق نمی شود و همین امر منجر به خودکشی میگردد (آنتوناکاکیس و گاپتا، ۲۰۱۵).

نتیجه گیری

روند رو به رشد پدیده خودکشی کشور در دهه اخیر علوم مختلف را بر آن داشته تا هر یک به تناسب حوزه خود به بررسی و شناسایی علل موثر بر خودکشی پرداخته و با ارائه راهکارهایی زمینه را برای کاهش این پدیده فراهم نمایند. در این میان و با توجه به اینکه عوامل اقتصادی از جمله مهمترین عوامل تاثیر گذار بر خودکشی می باشند، علم اقتصاد نیز همگام با سایر علوم تلاش هایی را در جهت بررسی و شناسایی عوامل اقتصادی موثر بر خودکشی انجام داده است. مطالعه حاضر نیز از جمله مطالعات مذکور قلمداد شده که با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) به بررسی تاثیر نااطمینانی سیاست های اقتصادی (EPU) بر خودکشی در کشور ایران و در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۳ پرداخته است. لازم به ذکر است علاوه بر بررسی عوامل اقتصادی، به تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی از جمله: نرخ طلاق، با سواد و سرمایه اجتماعی بر خودکشی نیز پرداخته شده است. نکته بارز در این مطالعه، استفاده از یک شاخص ترکیبی از نااطمینانی های اقتصادی است که شامل پنج متغیر عمده اقتصادی می شود: تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ سودهای بانکی و شاخص قیمت سهام.

نتایج حاصل از برآورد مدل در بلند مدت نشان می دهد که رابطه این شاخص ترکیبی (EPU) با نرخ خودکشی در ایران مثبت بوده است. لذا با تشدید نوسانات در متغیرهای اقتصادی، شرایط نامطلوبی در جامعه ایجاد خواهد شد که به سبب آن افراد نسبت به درآمد و مطلوبیت خود در آینده بی اعتماد شده و اقدام به خودکشی در کشور افزایش خواهد یافت. از دیگر متغیرهای اقتصادی بکار رفته در مدل می توان به ضریب جینی، نرخ بیکاری زنان و مردان، نرخ تورم و رشد اقتصادی اشاره کرد که با افزایش بیکاری و نابرابری در درآمد، فشارهای مالی و روانی بسیاری بر فرد وارد شده که منجر به افزایش خودکشی می گردد.

ولی با افزایش نرخ تورم که به واسطه رونق اقتصادی ایجاد شده است، خودکشی در بلند مدت کاهش یافته است. علاوه بر متغیرهای اقتصادی، از متغیرهای اجتماعی مانند نرخ طلاق، نرخ باسواد و سرمایه اجتماعی نیز استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که افزایش طلاق و بالا رفتن سطح تحصیلات افراد کشور، موجب افزایش اقدام به خودکشی شده است. از سوس دیگر تعداد پرونده های قضایی نیز به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در مدل قرار گرفته که رابطه مثبتی با نرخ خودکشی داشته است. بنابراین در مجموع می توان گفت که جهت کاهش روند خودکشی در کشور، علاوه بر توجه به عوامل منفی اجتماعی، به عوامل اقتصادی و مهمتر از آن بی ثباتی های ناشی از این عوامل نیز پرداخته شود.

پیشنهادهات

در ادامه برخی پیشنهادها و توصیه های سیاست گذاری جهت رفع و مواجهه با بی ثباتی های اقتصادی ارائه شده است. یکی از متغیرهای تاثیر گذار در شاخص ترکیبی نااطمینانی اقتصادی، نرخ ارز است، که پیشنهاد می شود تا حد ممکن از اعمال سیاست های کوتاه مدت که نوسانات ارزی را به همراه داشته باشد، خودداری گردد و سیاست ثبات نرخ ارز اعمال شود. از جمله این سیاست ها می توان به اعمال سیاست تنش زدایی برای کاهش چالش های داخلی و خارجی و کاهش نوسانات ارزی اشاره کرد؛ -رفتن به سمت کاهش سهم و وابستگی به درآمدهای نفتی در رشد اقتصادی کشور؛



- ایجاد اعتماد عمومی در مردم با پیگیری و سیاست های اعلام شده و تلاش در جهت محقق کردن آنها در مدت زمان اعلام شده به مردم ؛
 - نکته ای که در ایجاد بی ثباتی های اقتصادی نقش بسزایی دارد، تصمیم گیری های کوتاه مدتی است که دولت و دستگاه های اجرایی جهت رفع نوسانات متغیرهای اقتصادی اتخاذ می کنند. بایستی برای سیاستگذاری جدید به نحوی عمل کرد که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هماهنگ با این سیاست ها تغییر کنند. و از انجایی که تغییر ساختارها به راحتی و در کوتاه مدت غیر ممکن میباشد، لذا باید در بلندمدت و به صورت گام به گام صورت گیرد .

- به جهت رفع بیکاری زنان و مردان و همچنین اثر مثبتی که نرخ باسوادی بر میزان خودکشی در این مطالعه داشت، پذیرش دانشجو بایستی متناسب با نیازهای اقتصادی - اجتماعی کشور انجام گیرد . در سطوح مختلف آموزشی و خصوصا تمرکز بر تحصیلات کاردانی فنی و حرفه ای (با هدف ورود مستقیم به بازار کار و صنعت) و تحصیلات عالی، خاصه دوره دکتری (که نیروی متخصص و نخبه مورد نیاز را فراهم میکند)، باید اعمال شده و از حجم زیاد پذیرش دانشجوی ارشد و خصوصا کارشناسی پرهیز شود. البته، کاهش پذیرش دانشجو و حتی دانش آموز در رشته های که حرفه محور نبوده و مورد نیاز جامعه نمی باشند، مورد نظر است.

منابع

- احمدی، حبیب و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان خودکشی در استانهای کشور»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره ۲، ص ۶۳-۷۹
- پوریوسفی، حمید (۱۳۸۴)، «بررسی میزان، علل و انگیزه های خودکشی در ایران و جهان»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیج، شماره ۵.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، «اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit»، تهران، موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ.
- جمشید زاده، فرخ لقاء (۱۳۸۲)، «بررسی روند تغییر برخی ویژگی های موارد خودکشی و اقدام به خودکشی در استان ایلام طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۷۳»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- رحیمیان بوگر، اسحق و همکاران، (۱۳۹۳)، عوامل روانشناختی، جمعیت شناختی و اجتماعی - اقتصادی مرتبط با ایده پردازی خودکشی در جمعیت عمومی شهر سمنان در سال ۱۳۹۱، دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال اول، شماره ۱۷، ص ۳۸-۲۵.
- ستوده، هدایت... (۱۳۸۹)، «آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)»، تهران، آوای نور، چاپ بیست و یکم .
- صدیق سروسرستانی، رحمت... (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)»، تهران، انتشارات آن .
- کاپلان و همکاران، (۱۳۸۲)، «خلاصه روانپزشکی»، ترجمه حسن رفیعی و همکاران، انتشارات نسل فردا، چاپ اول.
- مردیها، مرتضی (۱۳۸۲)، «فضیلت عدم قطعیت در علم شناخت اجتماعی»، تهران، طرح نو .
- مکیان، سید نظام الدین و عزت... لطفی (۱۳۹۴)، «علل اقتصادی خودکشی (مطالعه موردی اقتصاد ایران)»، مجله علمی - پژوهشی سیاست گذاری اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۱۸۶-۱۶۳.
- نصرالهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲)، «عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر اقدام به خودکشی در زنان شهرنشین کشور طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۸۶»، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، ص ۳۹۲-۳۷۷.
- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، «ریشه واحد و هم جمعی در اقتصاد سنجی»، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم .



Antonakakis, N. Gupta, R. (2015), Is Economic Policy Uncertainty Related to Suicide Rates? Evidence from the United States, University of Pretoria Department of Economics Working Paper Series.

-Baker, S., Bloom, N., Davis, S., (2013), Measuring Economic Policy Uncertainty, Working Paper Series, Stanford University and University of Chicago Booth School of Business.

-Bertolote, J., M., Fleischmann, A. (2002), A Global Perspective in the Epidemiology of Suicide, Sociology, Vol. 7, No. 2.

-Chen, Choi, Mori, Sawada and Sugano (2012), Socio-Economic Studies on Suicide: A Survey, Journal of Economic Surveys, Vol. 26, No. 2, PP. 271- 306.

-Chen, J., Choi, Y. and Sawada, Y. (2008), Suicide and Life Insurance, Center for International Research on the Japanese Economy Discussion Papers, CIRJE-F-558, University of Tokyo.

-Chen, J., Choi, Y. and Sawada, Y. (2009), How Is Suicide Different in Japan? Japan and the World Economy, Vol. 21, No. 2, pp. 140-150. -Córdoba-Doña et al. (2014), Economic Crisis and Suicidal Behavior. The Role of Unemployment, Sex and Age in Andalusia, Southern Spain, International Journal for Equity in Health.

-Durkheim, E., (1897). Le Suicide: Etude de Sociologies. Alcan, Paris, Spaulding, J.A., Simpson, G (Trans.), 1952, Suicide: A Study of Sociology, Free Press, New York.

-Ferrara, L., Gurin, P., (2015). What Are The Macroeconomic Effects of High- Frequency Uncertainty Shocks? Economics Working Papers 12, University of Paris West-Nanterre la Defense, Economics.

-Hamermesh, D.S. and Soss, N.M. (1974). An Economic Theory of Suicide, The Journal of Political Economy, Vol. 82, No. 1, PP. 83-98.

-Inagaki K. (2010), Inequality and the Suicide Rate in Japan: Evidence from Cointegration and LA-VAR, Journal of Applied Economics, XIII (1): PP. 113-133.

-Joseph Atta-Mensah. (2004), Money Demand and Economic Uncertainty. Monetary and Financial Analysis Department Bank of Canada Ottawa, Ontario, Canada K1A0G9.

-Kang, W., Lee, K., Ratti, R.A., (2014), Economic Policy Uncertainty and Firm- Level Investment, Journal of Macroeconomics, Vol. 39, pp. 42-53.

-Klick, J. and Markowitz, S. (2006), Are mental health insurance mandates effective? Evidence from Suicides, Health Economics, Vol. 15, No. 1, PP. 83-97.

-Koo, J. and Cox, W.M. (2008). An Economic Interpretation of Suicide Cycles in Japan, Contemporary Economic Policy, Vol. 26, PP. 162-174.



-Lester, D. (1995), Explaining Regional Differences in Suicide Rates, Social Sciences and Medicine 40(5): PP. 719-721.

-Neumayer, E. (2003), Are Socioeconomic Factors Valid Determinants of Suicide? Controlling for National Cultures of Suicide with Fixed-effects Estimation, Cross-Cultural Research, Vol. 37, No. 3, PP. 307-329.

-Noh, Yong-Hwan (2009), Does Unemployment Increase Suicide Rates? The OECD Panel Evidence, Journal of Economic Psychology, PP. 575-582.

-Pastor, L., Veronasi, P., (2012). Uncertainty about Government Policy and Stock Prices, The Journal of Finance, Vol. 67, No. 4, PP. 1219-1264.

-Rodriguez, Antonio, (2006), Inequality and Suicide Rates: A Cross-Country Study, Institute for Advanced Development Studies, Development Research Working Paper Series, PP. 32-41.

-Stack, S. (2000). Media Impacts on Suicide: a Quantitative Review of 293 findings, Social Science Quarterly, Vol. 81: PP. 957-971.

-Wang, Y., Chen, C.R., Huang, Y. S., (2014). Economic Policy Uncertainty and Corporate Investment: Evidence from China, Pacific-Basin Finance Journal, Vol. 26, PP. 227-243.